



سید علی حسینی

همدلی و همراهی لازمی گذر موفقیت آمیز از بحران هاست

در شرایطی که بیش از دو ماه از تجاوز نظامی امریکا - اسرائیل و آغاز جنگی تحمیلی به ایران می‌گذرد پی‌آمدهای آن علاوه بر آسیب به برخی صنایع و زیرساخت‌ها، در تمامی بخش‌های اقتصادی با تشدید تورم و موج گسترده بی‌کاری و تعمیق رکود اقتصادی مشهود است. روشن است که بنگاه‌های اقتصادی، از جمله مؤسسات حسابرسی، با شرایط جدیدی مواجه شده‌اند و برای استمرار حیات ناگزیرند برنامه‌ها و راهکارهایی متناسب با آن اتخاذ کنند. به‌طور خلاصه، وضعیت کنونی «ریسک سیستمی» در نظام اقتصادی ایجاد کرده که با ایجاد شوک‌های غیر قابل کنترل، به‌هم‌پیوسته و غیرخطی می‌تواند باعث آسیب‌های عملیاتی، مالی یا اعتباری شود و تمامی بنگاه‌ها را با شرایط مخاطره‌آمیز مواجه کند. البته وضعیت حاصل از چنین شرایطی بر اجزای مختلف نظام اقتصادی پی‌آمدهای متفاوتی دارد و روشن است که در این زنجیره تأثیرگذاری مؤسسات حسابرسی از آسیب‌پذیری کم‌تری برخوردارند. با این همه، به سبب هم‌پیوندی‌های موجود در میان اجزای نظام اقتصادی کم‌وبیش تمامی بنگاه‌ها، متأثر از این شرایط جدید هستند. این هم‌پیوندی‌های اقتصادی، مؤسسات حسابرسی را نیز به پیش‌بینی و اتخاذ راهکارهایی متناسب با این شرایط جدید با هدف افزایش تاب‌آوری در برابر ریسک‌های سیستمی ناگزیر می‌سازد.

به‌عنوان مثال، شرایط عمومی ناشی از عدم قطعیت کلان و سناریوهای متفاوت پیش‌ارو و انتظارات ناشی از آن، ارتباط متقابل و سرایت بحران از مشتریان و صاحب‌کاران به مؤسسه، تهدیدهای عملیاتی و امنیت سایبری، اختلال در بازارهای مالی (چنان‌که در تعطیلی دوماهه‌ی بورس اوراق بهادار و محدودیت فعالیت نظام بانکی در مقطع جنگ) شاهد بوده‌ایم... همه به‌نوبه‌ی خود از زمره‌ی عوامل تأثیرگذار بر فعالیت مؤسسات حسابرسی نیز به شمار می‌آیند. مؤسسه‌های حسابرسی برای افزایش تاب‌آوری و کاهش تأثیرپذیری خود از این ریسک‌های سیستمی و به‌منظور استمرار فعالیت، باید رویکردی چندلایه و پیش‌گیرانه اتخاذ کنند. از بازطراحی مدل درآمدی و مدیریت نقدینگی از طریق به‌عنوان مثال ذخیره‌گیری نقدینگی یا کاهش اتکا به قراردادهای با پیش‌پرداخت کم‌تر و غیره تا بازسازی و اصلاح ترکیب مشتریان و پرتفوی کارها با هدف کاهش وابستگی به فعالیت‌های آسیب‌پذیر و پریسک و متقابلاً تلاش برای افزایش سهم مشتریان در فعالیت‌های دارای تاب‌آوری بالاتر.

بسیاری از مؤسسات حسابرسی، در چنین شرایطی به سبب حاشیه‌ی سود ناچیز و حقالزحمه‌های ناکافی و تأخیر در وصول مطالبات، گاه حتی در تأمین حقوق کارکنان با چالش‌هایی جدی مواجه شده‌اند. علاوه بر آن، در چنین شرایطی تمامی بنگاه‌ها، و از آن جمله مؤسسات حسابرسی، با چالش ایمن‌سازی زیرساخت داده‌ها و ارتباطات مواجه‌اند و ناگزیر به گذار به سامانه‌های غیرمتمرکز ذخیره‌سازی اسناد، انتقال ارتباطات در حد امکان از اینترنت به اینترنت، و سایر راهکارهایی از این دست بوده‌اند.

مهم‌تر از همه، در چنین شرایطی معضل حفظ و نگهداشت سرمایه‌ی انسانی که در حقیقت اصلی‌ترین سرمایه‌ی مؤسسات حسابرسی به شمار می‌آیند اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. اگرچه مشکلات بازار کار می‌تواند مانع از خروج بخش بزرگی از نیروی انسانی بشود، اما در بستر اقتصادی با تورم بسیار بالا و رکود مزمن، مشکلات مالی و نقدینگی بنگاه‌ها عملاً نه تنها دست آن‌ها را برای بسیاری از اقدامات انگیزشی می‌بندد بلکه علاوه بر آن، چنان‌که گفته شد، گاه حتی پرداخت منظم حقوق و دستمزد را دشوار می‌سازد. طبعاً وجود چنین شرایطی کیفیت کار مؤسسات حسابرسی را نیز می‌تواند تحت‌الشعاع قرار دهد و در صورت عدم اتخاذ تدابیر مناسب افول کیفیت حسابرسی را در پی دارد.

روشن است که اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های محتاطانه و پیش‌گیرانه در شرایط کنونی الزامی است. سیاست‌هایی که در بخش مالی دامن‌های آن از بازسازی ساختار هزینه‌ها، تا تلاش برای مدیریت بهینه‌ی نقدینگی را دربر می‌گیرد. در بخش مدیریت منابع انسانی نیز اتخاذ مجموعه‌ای از راهکارها برای حفظ روحیه کارکنان، ارتقای جو همدلی و همبستگی در نیروی کار و ارتقای سرمایه‌ی انسانی را الزامی می‌سازد.

بخشی از این سیاست‌ها برگرفته از تدابیری است که در دل هر مؤسسه‌ی حسابرسی و از طریق شناسایی مسایل و چالش‌ها و اتخاذ راهکارهای مناسب برای غلبه بر آن شکل می‌گیرد. بخشی دیگر اما باید از مسیر همدلی کل جامعه‌ی حرفه‌ای برخیزد و نیازمند همبستگی درون حرفه برای غلبه بر مشکلات و دردهای مشترک است. از این‌رو، در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر به تقویت همراهی و همدلی درون حرفه‌ی حسابرسی برای حفظ استقلال حسابرسان در شرایط دشوار، و پایداری و تداوم فعالیت حرفه‌ای در مسیر گذر از بحران‌ها نیاز داریم.